

## گلستان سعدی

است که هر چه مکرر گلستان را بخوانند ملال آور نیست. پیشینیان ما گلستان را از بس دلکش یافتند به دست فرزندان خویش دادند و کم کم چنان شد که نخستین کتاب فارسی که هر کودک ایرانی به خواندنش می‌پرداخت گلستان بود. کتاب *گلستان سعدی* تصویر تمام از جامعه عصر سعدی است، جامعه شیراز و جامعه اسلامی عصر با پست و بلند و احوال تمام طبقات. سعدی مقارن تصنیف گلستان (۶۵۶ ق) تازه از شام به شیراز بازگشته بود. شاعری زبان گشاده و واعظی مردم آمیز بود. این احوال، همراه با تجارب زندگی گذشته تأثیر بارزی در سبک بیان او گذاشت چنانکه از همان آغاز ورود به فارس نوشته‌هایش چون ورق زر همه جا می‌رفت و همانند اشعار او از همان ایام مقبول عام و خاص بود. در تمام قلمرو نثر فارسی، از گلستان سعدی اثری بی‌همتا ماند که با جمع بین جد و هزل و طیبت و صنعت، مقوله‌ای یکتا با ویژگی‌های کمیاب بوجود آورد که خاص گلستان است. سعدی در این کتاب ظریف که هشت باب بیش ندارد و دیباچه آن همچون باب‌هایش از سخنان تکلف آمیز عاری و از نکات اخلاقی و تربیتی مشحون است بین جد و هزل چنان تلفیق حیرت انگیزی ایجاد کرده که همانند ندارد. سعدی در نثر مصنوع، نهضت نویسندگان متصنّع را که در اواخر قرن ششم و تمام قرن هفتم به شدت فعال بود، دنبال نکرد بلکه سعی کرد با شیوه‌ای خاص که خود ایجاد کرد، حدت آن نهضت را در هم شکند و روش میانه‌ای بوجود آورد که مورد قبول عام و خاص قرار گیرد.

*گلستان سعدی* مولود این ابتکار سعدی است. کتاب *بوستان سعدی* با داستانهای هشدار دهنده و عبرت انگیزش کتابی آرمان نگر است که همواره نظر به اخلاق و پاکی و زیبایی و تنزیه دارد و در عین حال گلستان شاهکاری واقع نگراست که هم به زیبایی‌ها و هم به زشتی‌ها و کلاً به همه واقعیات زندگی نظر می‌کند. این کتاب مشتمل است بر مقدمه‌ای در ستایش خدا و بیان سبب تحریر کتاب و آنگاه هشت باب گلستان در پی می‌آید که عبارتند از: در سیرت پادشاهان، در اخلاق درویشان، در فضیلت قناعت، در فواید خاموشی، در عشق و جوانی، در ضعف و پیری، در تأثیر تربیت، در آداب صحبت؛ هر کدام از این باب‌ها دارای چندین حکایت است به جز باب هشتم (در آداب صحبت) که بیشتر جملات قصار و در مواعظ است. در میان همه کتابهای منشور فارسی و در طول صدها سال، *گلستان سعدی* بدون همتا و رقیب تاکنون از بیشترین اقبال فارسی زبانان برخوردار بوده است. در باب علت این اقبال سخنها بسیار گفته‌اند از ترتیب و تناسب گرفته تا رعایت تراکت و ادب. ایجاز اعجاز گونه سخن سعدی در گلستان چشمگیر

منابع: تذکره شعرای اصفهان، ۳۹۹؛ تذکره الصبوری، ۴۶۷؛ رجال و مشاهیر اصفهان، ۴۶۲؛ فهرست کتابهای چاپی فارسی، ۲۳۶۱/۲؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ۱۰۵/۳. حسن انوشه

## گلستان سعدی، کتاب معروف سخن سرای بزرگ ایران

شیخ شرف بن مُصلح، معروف به سعدی شیرازی (م ۶۹۲ یا ۶۹۴ ق) و از شاهکارهای زبان و ادب فارسی که سعدی آن را در سال ۶۵۶ قمری تصنیف کرده است.

سعدی در سالهای اول سده هفتم هجری در شیراز متولد شد. در جوانی به بغداد رفته و در نظامیه به تکمیل علوم دینی و ادبی پرداخت. در عراق و شام و حجاز سفر و گشت و گذار داشته و اعمال حج به جای آورده است. در اواسط سده هفتم که ابوبکر بن سعد بن زنگی از اتابکان سلغری در فارس فرمانروایی داشت به شیراز باز آمده و در سال ۶۵۵ کتاب بوستان را به نظم آورده و در سال بعد گلستان را تصنیف نموده و تا اوایل دهه آخر از سده هفتم در شیراز زیسته است. مذهب رسمی او تسنن بوده اما بعضی از نویسندگان قائل به تشیع او بوده‌اند. کتاب گلستان زیباترین کتاب نثر فارسی است و شاید بتوان گفت در سراسر جهان بی نظیر است و خصایصی دارد که در هیچ کتاب دیگری نیست. نثری است آمیخته به شعر یعنی برای هر جمله و مطلبی که به نثر ادا شده یک یا چند شعر فارسی و گاهی عربی شاهد آورده که آن معنی را می‌پرورد و تأیید و توضیح و تکمیل می‌کند. اشعار آن همه از گفته خود او است و از کسی عاریت نگرفته است. نثر و شعر هر دو از هر حیث به درجه کمال است و نثرش گذشته از فصاحت و سلاست و ایجاز و متانت و استحکام و ظرافت همه آرایشهای شعری را هم در بردارد حتی سجع و قافیه اما در آن تکلف و تصنع دیده نمی‌شود. نه هیچ جا معنی فدای لفظ شده و نه هیچگاه لفظی زاید بر معنا آمده است. مطالب را آن چنان ادا می‌کند که خاطر را کاملاً اقناع می‌کند و دعاوتش تأثیر برهان دارد. در عین حال که بهجت و مسرت می‌دهد کلامش زینت فراوان دارد از سجع و قافیه و تشبیه و کنایه و استعاره و جناس و مراعات نظیر و غیر آن اما در این صنایع افراط نکرده است.

*گلستان سعدی* یک دوره کامل از حکمت عملی است، علم سیاست و اخلاق و تدبیر منزل را گرد آورده و در عین اینکه در نهایت سنگینی و متانت است از مزاح و طیبت نیز خالی نیست چنانکه خود سعدی می‌گوید: «داروی تلخ نصیحت به شهد ظرافت برآمخته، تا طبع ملول، از دولت قبول محروم نماند». حیرت آور

**GÜLİSTÂN**

Ouliaei Nia, Helen; Sa'dī, Muslih al-Dīn; Johnson, Samuel  
A comparative study of Saadi's Golestan and Johnson's Rasselas .-- 2008 : International Journal of Humanities of the Islamic Republic of Iran, vol. 15 ii pp. 113-126, (2008)

**Madde Yayınlandıktan Sonra Gelen Doküman****03.05.2017**

Bodrogligeti, A. J. E.

About an expression in Sayf-i Sarāyī's Mamluk-Kipchak translation of Sa'dī's Gulistān .-- Brill, Leiden & Boston, 2007 : Studies in Near Eastern languages and literatures: memorial volume of Karel Petráček

Edit. P. Zemánek , pp. 143-150,

; Sa'dī, Muslih al-Dīn; Sayf-i Sarāyī; Saraylı Seyf

**Madde Yayınlandıktan Sonra Gelen Doküman****03.05.2017**

Bodrogligeti, A. J. E.

On a phrase in Sayf-i Sarāyī's Mamluk-Kipchak translation of Sa'dī's Gulistān .-- 1993 ISSN: 0042-1786 : Eurasian Studies Yearbook, vol. 65 pp. 91-98, (1993)

; Sayf-i Sarāyī; Sa'dī, Muslih al-Dīn

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

18 Subat 2017

11005 GHOBADI, Hosseinali & GHASEMZADEH, Seyyed Ali. Saadi's Golestan, anxieties and challenges of contemporary human beings. *International Journal of Humanities of the Islamic Republic of Iran*, 21 ii (2014) pp. 1-28. Abstract(s): Persian. *Saadi's Golestan*  
180120  
Golestan  
070317

## بررسی ویژگی‌های نخستین شرح عربی گلستان سعدی

ناهده فوزی<sup>۱</sup>  
الهام کوهستانی<sup>۲</sup>

### چکیده

کهن‌ترین نسخه خطی شرح عربی بر گلستان سعدی - که تاکنون کسی به تصحیح آن نپرداخته است - از یعقوب بن سیدعلی زاده (د ۹۳۱ق.) است. نسخه‌های متعددی از این اثر در کتابخانه‌های ایران و جهان نگهداری می‌شود. این پژوهش به بررسی معتبرترین نسخه از این شرح بر اساس معیارهای تحقیق در نسخ خطی پرداخته است که می‌تواند مورد استفاده محققان گلستان قرار گیرد. ما در تدوین این مقاله، نسخه نویافته و فراکشوری را که در زمان حیات مؤلف (سیدعلی زاده) کتابت شده و کهن‌ترین نسخه به شمار می‌رود، با روش تحلیلی - توصیفی به کار گرفته‌ایم. در پژوهش حاضر به این نتیجه رسیده‌ایم که شارح در انتقال مفاهیم گلستان سعدی و ساده‌سازی متن، به صورت‌های گوناگون عمل کرده است و البته عربی را به فارسی و ترکی آمیخته است. وی گاه بسیار موجز به شرح عبارات می‌پردازد و گاه آن‌چنان به تفصیل پرداخته که آیات الهی، احادیث نبوی و علوی، اقوال بزرگان، اشعار شعرا و حکایات را مورد استشهاد قرار داده است. توضیح نکات دستوری و نگارشی زبان فارسی و عربی، نکات بلاغی، اشاره به اختلاف نسخ و... از دیگر ویژگی‌های این اثر است. این شرح، در مقایسه با شروح عربی بعد از خود، در ردیف شروح مختصر قرار می‌گیرد.

۱. استادیار دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی nahedefawzi@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

elhamkuhestani@yahoo.com

D3632



(070317) 6211311

(180120) Sa'di Shirazi

01 Kasım 2016

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

20 Eylül 2014

Gulistan  
070317  
Saidi-i Sirazi  
180120

443

BEN AZZOUNA, Nourane. The Gulistān of Sa'dī attributed to Yāqūt al-Musta'simī and its multiple identities: from the Mongols to the Mughals and beyond. *Ars Orientalis*, 42 (2012) pp.139-149.

Sadi Dimg  
180120  
Gulistan  
070317

435 NATIF, Mika. The generative garden: sensuality, male intimacy, and eternity in Govardhan's illustration of Sa'di's *Gulistan*. *Eros and sexuality in Islamic art*. Ed. Francesca Leoni and Mika Natif. Farnham: Ashgate, 2013, pp. 43-64. First half of the seventeenth century in Mughal India.

MADE YAYIMLANDI  
SONRA GELEN DOKÜMAN

22 Haziran 2015

**070317**

**GÜLİSTÂN**

- 
- 1 MEHMET ÖZDEMİR, Türk edebiyatında Gülistân tercümeleri ve 17. yüzyıl yazarlarından Hocazâde Es'ad Mehmed Efendi'nin Gül-i Handân (Terceme-i Gülistân)'ı, Gazi Üniversitesi, Doktora, 2011
- 
- 2 MEHMET TURGUT BERBERCAN, Çağatayca Gülistan tercümesi (gramer-metin-dizin), İstanbul Üniversitesi, Doktora, 2011
- 
- 3 OZAN YILMAZ, 16. yüzyıl şârihlerinden Sûdî-i Bosnevî ve Şerh-i Gülistân'ı (inceleme-tenkitli metin), Marmara Üniversitesi, Doktora, 2008

۲۳۵۶ نیکوهمت، ا. ا. "یک اندیشه و چند تصویر". شایسته دوره جدید، ش ۱۶۴  
 (۱۲ تیر ۱۳۴۳): ص ۲۰۱  
 بررسی و تحقیق درباره گلستان سعدی.

17 OCAK 1994

GULISTAN  
 SEJH SADI - 41  
 SADI

TRAKO, S. Prvi prijevod Šejh Sadijeva Gulistana na srpskohrvatski - First translation of Šejh Sadi's Gulistan into serbo-croatian. POP 22-23(1972-3, publ. 1976), pp. 369-381.

Sejh Sadi'nin Gulistanı'nın  
 Sırp-Hırvatça'ya birinci  
 tercümesi

SADI-i SIRAZI  
 GULISTAN (SADI)

D'YAKONOVA, N.V. Bukharskiy spisok "Gulistana" Sa'di iz sobraniya Gosudarstvennoy Publichnoy biblioteki im. M.E. Saltykova-Schedrina. (A manuscript of the Gulistan by Sa'di.) Srednyaya Aziya i Iran: sbornik statey, 1972, pp. 136-148.

Sa'di'nin yezdigi  
 Gulistan'ın listesi

07 TEMMUZ 1992

- Sadi-i Sirazî  
 - Gulistan

11338 ALIEV, R. M. "Saadi's Gulestan and textual criticism." (in Russian) Ucb. Zap. Inst. Vost. 19 (1958) 89-152.

EDİTÖR

- SEYF-i SARAYI  
 - GULISTAN BI-T-TURKI  
 (ceder)

7782 BODROGLIGETI, A. Glosses on Seyf-i Sarayi's Gulistan bi-t-turki. Acta Or. Acad. Sci. Hung. 14 (1962), pp. 207-218

Seyfi Sarayi'nin Gulistan  
 bi-t-turki'sinin listesi

EDİTÖR

- SADI  
 - GULISTAN

ROBINSON, B.W. An unpublished manuscript of the Gulistan of Sa'di. Beiträge zur Kunstgeschichte Asiens. In memoriam E. Diez, 1963, pp. 223-236

Sa'di'nin Gulistanının  
 yazılanmış bir mis-  
 velle

31 AGUSTOS 1997

24677 RANKING, G. [Suggested emendation to the Gulistan, Story 17 of Book i.] JRAS, 1907, p. 168

Gulistan

31 AGUSTOS 1992

24678 SIKIRIĆ, Š. Sudi kao komentator Sadijina Gulistana. Prilozi or. fil. ist. 1 (1950), pp. 51-67

Gulistan

2039 WILKINSON, J. V. S. An Indian manuscript of the Golestān of the Shāh Jahān period. Ars Orientalis 2 (1957), pp. 423-425

Gulistan

12 AGUSTOS 1992

07 TEMMUZ 1992

- Sadi-i Sirazî  
 - Gulistan

9192 ALIEV, RUSTAM. "The basic editions of Sa'di's 'Golestan.'" Krat. Soobshch. Inst. Vost. (Moscow) 17 (1955) 83-91. The author has prepared a critical text edition.

7908 NADZHIP, E. N. Arkhaizmui v leksike tyurkoyazuichnogo pamyatnika XIV v. "Gulistan" Seyfa Sarai. KSINA 83 (1964), pp. 80-95

Gulistan ?

12 AGUSTOS 1992

07 TEMMUZ 1992

1926. Sa'di: [The Persian-English gulistan or rose garden] The Persian-English gulistan or rose garden of Sa'di / transl. by Edward Rehatsek. Ed. by M. H. Tasbihi. - Čap 2. - [S.l.] (1988) = 1366 h.s. (Tihān: Čāpāna-i Marwī). - Getr. Zählung: III. Parallelsacht.: Gulistān: Fārsī - inglīsī 28 A 17445



07646 THYLMANN, Karl. *Gulistan: tales of ancient Persia*. Transl. from the German by Marion Faber. London: Routledge & Kegan Paul/Boulder: Shambala, 1977.

Gulistan

25 SUBAT 1992

CHARDIN, J. Original notes in a manuscript copy of the *Gulistan*. *Oriental collection* 1 ii (1797), 93-97. **GULISTAN**

891.553  
SA.G

*IRAN*  
Sa'di, Muslih al-Din b. Mughrif al-Din al-Shirazi

(Gulistani Sa'di tercüme-i Sudi)

گلستان سعدی ترجمه سودی / مصلح  
الدين ابن مشرف الدين سعدی شیرازی : ترجمه  
سودی افندی - استانبول : د.ن. ۱۲۹۲ هـ

4, 512 p.; 32 cm.  
Text in Ottoman Turkish

1. Literature, Persian - Fiction I. Sudi  
Efendi (tr.) II. Author (Arabic) III. Title  
IV. Title (Arabic)

9278

891.553  
SA.G

Sa'di, Muslih al-Din Ibn Mughrif al-Din Shirazi

(Gulistan)

گلستان / تألیف مصلح الدین ابن مشرف  
الدين سعدی شیرازی - (د.ن. : ۰.۰۰۰)  
1481

161 p.; 25 cm.  
Text in Persian

1. Literature, Persian - Fiction I. Author  
(Arabic) II. Title III. Title (Arabic)

4771

28 KASIM 1993

*GULISTAN*  
۴. گلستان سعدی. (فارسی-انگلیسی). به کوشش ذبیح الله  
بلاغی. (چاپ اول: انتشارات جانزاده، ۱۳۶۸). ۴۹۶ ص،  
وزیری. ۲۱۰ تومان.

28 KASIM 1993

۱۱- گلستان سعدی، تصحیح و توضیح: علامه حسین یوسفی.  
*GULISTAN* (تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۸). ۸۱۵ ص، وزیری.  
۴۵۰۰ ریال.

070317 *GULISTAN*

26 KASIM 1993

Sa'di.

Gulistan-i Sa'di: pas az muqabalah-i haft  
muskhah-i khatt'i va dah muskhah-i chāpi /  
bih kushish-i Nur Allāh Irānparast. - Chāp-i  
2. - Tih-rān: Dānish, 2535 [1977]

7, 439 [i.e. 339] p., [1] leaf of plates :  
col. port. ; 25 cm.

Poems.  
In Persian; romanized record.  
Includes explanatory footnotes and index.  
For requesting libraries only.

نکته ای از گلستان، یونس اندردهان ماهی شد: رفیعیان،

*GULISTAN*

اسماعیل

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی،

ش: ۹۳، س: ۲۲، بهار ۱۳۴۹، ص: ۱۱۸ - ۱۱۹

*Gulistan*  
*Yazma*

04233 ROBINSON, B.W. The Durham *Gulistan*:  
an unpublished Timurid manuscript. *Oriental art*,  
N.S. 22 (1976), pp. 52-59.

891.553  
SA.G

*IRAN*  
Sa'di, Muslih al-Din Ibn Mughrif al-Din Shirazi

*Gulistan* tercümesi / by Muslih al-Din Ibn  
Mughrif al-Din Shirazi [Sa'di]; translated by  
Seyfi Serayi; introduction Feridun Nafiz  
Uzlu. - Ankara: Türk Dil Kurumu, 1954.  
xviii, 370 p.; 24 cm.  
Translated from Persian into Arabic  
Text is facsimile

1. Literature, Persian - Fiction I. Serayi,  
Seyfi (tr) II. Uzlu, Feridun Nafiz (introd.)  
III. Title

3141

02 MART 1996

1021011  
*BOSTAN*  
*GULISTAN*

1032. JAVID, Hashem. "Nokteh'i chand dar Golestan va Bustan". *Nashr-e Danesh*  
10, 1 (1368/1989) pp. 39-42.  
[Quelques remarques sur le *Golestan* et le *Bustan* de Sa'di]

هاشم جاوید: نکته‌ای چند در گلستان و بوستان

Corrections judicieuses à apporter à l'édition des deux chefs-d'oeuvre de Sa'di réalisée  
par Gholam Hoseyn Yusofi, bien connue. Pour le *Golestan*: I, histoire 5, ligne 63; p. 49.  
*shahd-e fayeq* et *qasab ol-jeyb*: II, histoire 10, p. 90; III, histoire 10, p. 112. Pour le *Bustan*  
(cf. *Abst.lr.* V, 630): I, pp. 45-46 (*fayeq*: [remède] efficace): I, p. 26, beyt 512 sq.; pp. 150-  
151 (lire: *cho yalda*, non: *palidi*).  
C. F.

24 MART 1996

1565. Sa'di: Le jardin de roses = (Gulistan) / Saadi. Trad. *GULISTAN*  
et préf. de Omar Ali Shah. - Nouv. éd. de poche. - Paris :  
Michel, 1991. - 248 S. - (Spiritualités vivantes ; 92 : Série  
Islam)  
Einheitssacht.: Gulistān (franz.)  
ISBN 2-226-04888-X

31 A 22720

4528. Sa'di: Der Rosengarten / Muṣliḥ ad-Dīn Sa'dī. [Auf  
Grund der Übers. von Karl Heinrich Graf neu bearb., hrsg.  
und kommentiert von Dieter Bellmann]. - (2., verb. Ge-  
samtaufg.), 1. Aufl. in der »Orientalischen Bibliothek«. -  
Leipzig ; Weimar : Kiepenheuer, 1990. - 359 S. - (Orienta-  
lische Bibliothek)  
Einheitssacht.: Gulistān (dt.)  
ISBN 3-378-00368-5

31 A 11034

22 SUBAT 1996

1068. SA'DI. *Golestan*, ed., introd. et notes Gholam Hoseyn Yusofi. Tehran, GÜLISTAN Khwarazmi, 1368/1989, xx-815 p.

02 MART 1994

سعدی : گلستان

La meilleure édition du texte du *Golestan*, par le meilleur connaisseur de Sa'di, Gholam Hoseyn Yusofi, avec ses commentaires du texte, de tout premier ordre. Compte rendu de cette édition par Mohammad Ja'far Yahaqqi ("In-Golestan hamisheh khosh bashad", *Nashr-e Danesh* 10. 1 (1368) pp. 34-38) qui fait la même remarque que l'on pouvait faire à propos de l'édition et commentaire du *Bustan* de Sa'di par le même savant: il possède à merveille la connaissance de tous les commentaires faits jusqu'ici de l'oeuvre. sait la mettre en oeuvre de façon concise. mais ne sait pas éliminer les commentaires inutiles. De toute manière, un maître livre. C. F.

FED

1 KASIM 1991

madde: Gulistan

A. Br. : c.X, s.146-147

B. L. : c.VIII, s.4830

F. A. : c. , s.

M. L. : c.V, s.419

T. A. : c.VIII, s.49-150

07 MAYIS 1995

2234. Sa'di: Le jardin de roses = (Gulistan) / Saadi. Trad. et préf. de Omar Ali Shah. - Nouv. éd. de poche. - Paris: Michel, 1991. - 248 S. - (Spiritualités vivantes; 92: Série Islam) Einheitssacht.: Gulistan (franz.) ISBN 2-226-04888-X 31 A 22720

Gulistan 11

50) Maḥmud b. Kadı Nıyyas (yahut Menyās?) *Gülüstan tercümesi*, İkinci Murad namına yazılmış, Kütahyalı Mehmed b.

Ferhad tarafından istinsah olunmuş nusha.

Fahri Bilge Ktph

25 SUBAT 1992

GÜLISTAN  
ŞEH SADI

13376 TRAKO, S. Prvi prijevod Šejh Sadijeva Gulistana na srpskohrvatski - First translation of Šejh Sadi's Gulistan into serbo-croatian. POF 22-23 (1972-3, publ. 1976), pp. 369-381.

Şeyh Sadi'nin Gulistanın ilk tercümesi

SADI  
GÜLISTAN

07640 SEGHERS, Pierre. *Le jardin des roses de Saadi: texte intégral du Gulistan, illustré par 47 miniatures persanes, turques et indiennes; nouvelle version française avec introduction et nombreuses notes par P.S.* Paris: Seghers, 1976.

Saadi'nin güller bahçesi:

47 tük, İran ve Hind münğatirüyle resimli

Gulistan'ın tam metni

1. GÜLISTAN

2. SADI-YI

Sitazi

NIZAMUDDIN, M. More light on the description of a rare illustrated XVIIIth century manuscript of the Gulistan of Sa'di in Hyderabad Deccan. *Memorial vol. Vth Internat. Cong. Iranian Art and Archaeology*, 1972, Vol. 2, pp. 137-151.

Haydarabad Dehkan'da  
Sa'di'nin Gulistanı'nın  
nadir bir XVI. asır  
el yazması'nın tanifi  
halkında daha fazla bilgi

EDİTİT

ŞEYFİ SARAYI  
GÜLISTAN BI-TÜRKHİ  
(eser)

7782 BODROGLIGETI, A. Glosses on Sayf-i Sarāyī's *Gūlistān bi-tūrkhī*. *Acta Or. Acad. Sci. Hung.* 14 (1962), pp. 207-218

Şeyfi Sarayi'nin Gulistan  
bi-türkhisi'nin kopyası

GÜLISTAN  
SADI

NIZAMUDDIN, M.

A unique illustrated manuscript of Sa'di's *Gulistan*. *Studies in Indian culture; Gholam Yasdani comm. vol.*, 1966, pp. 121-126

Sa'di'nin Gulistanı'nın emsaliyi resmi bir misveddir

۲۴۴ بیغایی، حبیب. "درباره چند بیت از سعدی". آئینه، سال ۱۰، ش ۵۰۴ (تیر، مرداد ۱۳۶۳): ص ۲۹۹-۳۰۳. GÜLISTAN  
پاسخ به غلط گیریهای آقای حبیب الله آموزگار از گلستان سعدی تصحیح محمدعلی فروغی.

17 OCAK 1994

GÜLISTAN

Khazā'iri, Muhammad. 86-931915  
*Sharh-i Gulistan / Muhammad Khazā'iri*. -- Chap-i 4. -- [Tehran]: Sāzmān-i Intishārāt-i Jāvidān, 1361 [1983].  
752, 152 p. : 25 cm.  
In Persian; romanized record.  
Bibliography: p. 7-8 (1st group)  
(Commentary on *Gulistan*, didactic poetical work, by Sa'di)

-Sadi-i Şirazi  
-Gülistan

3.94- Sadi Gülistan'ının Bilinmeyen Çağatayca Bir Çevirisi, Janos Eckmann, TDAY-Belleten, (Ankara 1968): 17-29.

26 HAZİRAN 1996

حكيمان، ابوالفتح  
۸۲۸- «آيات و تلمیحات دو باب از  
گلستان سعدی»، گلستان قرآن، بیابى ۱۶۵،  
ص ۲۷-۳۰، فارسی، کتابنامه: ۳۰.  
کد پارسا: ۸۶۲۷۰۷  
Gülistan  
تلمیحات قرآنی

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

3151. [SA'DI, Muşlih al-Dīn]. *The Gulistan or, Rose-garden of Shekh Muşlihu'd-Dīn Sādi [sic] of Shirāz*. Second ed. Tr. Eastwick, E.B. London 1880, rp. London: Routledge, 2000 (Trübner's Oriental Series, 1). 243pp.

2828. Sa'di: Gulistan / Maşraf-ad-Dīn Muşlih Ibn-'Abdallāh Sa'di Şirāzi. - Wirāyīş wa nigāriş-i dībāča: Manūčihir Ādamīyat. - Cāp 1. - Tih-rān : Silāhşūr, [1988] = 1367 h.ş. - 165 S. : Ill.  
In arab. Schr., pers. 30 B 238

3430. Sa'di: Guliston / Sa'din Šerozi. Ba čop tajerkunanda muallifi muqad. va murat. luğat: Şahobiddin Siddiқov. - Dušanbe : Doniş, 1988. - 214 S.  
In kyrill. Schrift, tadschik. - Titel in arab. Schr.: Gulistān 28 A 21257

5 KASIM 1999  
MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

2191. Sa'di: Gülistan tercümesi : giriş, inceleme, metin, sözlük / Mahmūd b. Kādī-i Manyās. Hazırlayan Mustafa Özkan. - Ankara : Atatürk Kültür Dil ve Tarih Yüksek Kurumu, 1993. - XIV, 479 S. - (Türk Dil Kurumu yayınları ; 562)  
Einheitssacht.: Gulistān (türk.). - Text türk. ISBN 975-16-0502-4 33 A 17956

2281. Sa'di: Gülistan tercümesi : giriş, inceleme, metin, sözlük / Mahmūd b. Kādī-i Manyās. Hazırlayan Mustafa Özkan. - Ankara : Atatürk Kültür Dil ve Tarih Yüksek Kurumu, 1993. - XIV, 479 S. - (Türk Dil Kurumu yayınları ; 562)  
Einheitssacht.: Gulistān (türk.). - Text türk. ISBN 975-16-0502-4 33 A 17956

5 KASIM 1999  
MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

2192. Sa'di: [Tadmīn-i gulčīn] Tadmīn-i gulčīn-i Sa'di: tad-mīn -i 110 ğazal-i hadrat-i Saih Muşlih-ad-Dīn Sa'di Şirāzi / atar-i tab'-i Haidar Tih-rāni. - Cāp 1. - Tih-rān : Wizārat-i Farhang wa Irşād-i Islāmī, [1989] = 1368 h.ş. - [246] S. 31 B 149  
In arab. Schr., pers.

765. Levy, Reuben. M. A.: *Stories from the Bustān of Shaykh Sa'di together with Selections from Francis Gladwin's Translation of Sa'di's Gulistān, the former transl. and the latter revised. With a Frontispiece by CYNTHIA KENT*. London 1928 (XIX, 180 S.) 8°. The Treasure House of Eastern Story under the Editorship of Sir E. DENISON ROSS. Vol. V. J. RYFKA OLZ 33, 1930, 916/917.

10 TEMMUZ 1992

GÜLİSTAN

07 OCAK 1994

070317 5982. Sa'di: [Gulistān] Gulistān-i Sa'di / taṣḥīḥ wa tawdīḥ: Gulām-Husayn Yūsufi. - Cāp 1. - Tih-rān : Intisārāt-i Ḥwārazmī, [1989] = 1368 h.š. - 815 S.  
Inhalt: Gulistan. - In arab. Schrift, pers. 30 A 7757

24672 ALIEV, R. Osnovnuie publikatsii "Golestana" Sa'di. *Krat. soobshch. Inst. Vost.* 17 (1955), pp. 83-91

Gulistan  
Sadi-yi Shirazi

28 MAYIS 1993

Sadi-yi Shirazi  
Gulistan  
SA'DI (Musliḥ al-Dīn). From *Gulistan*. Tr. E. Rebatsek. *Mounts of Venus*. Ed. A. Bold. London: Pan, 1980, pp. 59-62.

29 MAYIS 1993

24679 YOHANNAN, J. D. Did Sir Richard Burton translate Sadi's *Gulistan*? *JRAS*, 1950, pp. 185-188  
See also 19393

Sadi-yi Shirazi  
Gulistan 28 MAYIS 1993

GULISTAN 90-930200  
Sa'di.  
Gulistān-i Sa'di / taṣḥīḥ wa tawdīḥ-i Gulām-Husayn Yūsufi. -- Chāp-1. -- Tih-rān : Intisārāt-i Khvarazmī, 1368 [1989]  
815 p. ; 24 cm.  
In Persian; romanized record.  
Includes bibliographical references (p. [806]-815) and indexes.  
4500.00IR (\$42.13 U.S.).  
For requesting libraries only.  
(Classical didactic poems and stories; includes commentary (p. [195]-697) by Gulām-Husayn Yūsufi)

05 MAYIS 1993

24674 KRACHKOVSKY, I. Y. Arabskie perevodui Gulistāna. (Les traductions arabes du Gulistān.) *CRAS*, 1924, pp. 101-104

Gulistan (Sa'di)

131 AUGUSTOS 1992

12 OCAK 1994

070317 GULISTAN  
5437. Sa'di: [Gulistān] Gulistān-i Sa'di / taṣḥīḥ wa tawdīḥ Sa'di. - Cāp 1. - Tih-rān : Intisārāt-i Ḥwārazmī. [1989] = 1368 h.š. - 815 S.  
Inhalt: Gulistan. - In arab. Schrift, pers. 30 A 7757

Empty lines for notes or stamps.

Gençtürk, Tülay. "Çağatayca Gulistan tercümesinin incelenmesi." Doktora Tezi. Marmara Üniversitesi, *Devanecideye* (Danışman: Prof. Dr. Orhan Bilgin) 070317

20 MAYIS 1998

MADE YAYINLANDIKTAN SONRA GÖRÜLEN DÜZÜLTÜLERİN SORUMLUSU DEĞİLMİŞTİR

تاج بخش، اسماعیل (ناقد و توصیف کننده)  
«گلستان سعدی چاپ جدید»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، پیاپی ۸۹ و ۸۰ ص ۱۴۲-۱۴۷، فارسی، کتابنامه: ۱۴۷، کد پارسا: A۴۵۱۸۱  
عنوان متن نقد شده:  
گلستان سعدی، منوچهر دانش پژوه [شرح]  
کتاب گلستان سعدی براساس نسخه تصحیح شده محمدعلی فروغی و یا مقدمه و شرح و حاشیه منوچهر دانش پژوه توسط انتشارات هیرمند چاپ شده است.  
تصحیح گلستان سعدی

تاجیک، ابوالفضل  
«وادیهای سلوک در منطق الطیر» (شماره ۲۲-۵)  
دیوان های سده چهارم - ششم - منطق الطیر - بررسی موضوعی منطق الطیر

22 TEM 2008

07 OCAK 1994

090317 5982. Sa'di: [Gulistān] Gulistān-i Sa'di / taṣḥīḥ wa taudīḥ: Gulām-Husayn Yūsufi. - Cāp 1. - Tih-rān: Intiṣārāt-i Ḥwārazmī, [1989] = 1368 h.s. - 815 S.  
Inhalt: Gulistan. - In arab. Schrift, pers. 30 A 7757

24672 ALIEV, R. Osnovnaie publikatsii "Golestana" Sa'di. *Krat. soobshch. Inst. Vost.* 17 (1955), pp. 83-91

Gulistan  
= Sa'di-yi Siraqi

28 MAYIS 1993

Sadi-yi Siraqi  
Gulistan  
SA'DI (Muṣliḥ al-Dīn). From *Gulistan*. Tr. E. Rebatsek. *Mounts of Venus*. Ed. A. Bold. London: Pan, 1980, pp. 59-62.

24679 YOHANNAN, J. D. Did Sir Richard Burton translate Sadi's *Gulistan*? *JRAS*, 1950, pp. 185-188  
See also 19393

29 MAYIS 1993

Sadi-yi Siraqi  
Gulistan 28 MAYIS 1993

GULISTAN

90-930200

Sa'di.  
Gulistān-i Sa'di / taṣḥīḥ wa taudīḥ-i Gulām Husayn Yūsufi. -- Cāp-1 1. -- Tih-rān: Inti-ṣārāt-i Ḥwārazmī, 1368 [1989]  
815 p. ; 24 cm.  
In Persian; romanized record.  
Includes bibliographical references (p. [806]-815) and indexes.  
4500.001R (\$42.13 U.S.)  
For requesting libraries only.  
(Classical didactic poems and stories; includes commentary (p. [195]-697) by Gulām Husayn Yūsufi)

24674 KRACHKOVSKY, I. Y. Arabskie perevodui Gulistāna. (Les traductions arabes du Gulistān.) *CRAS*, 1924, pp. 101-104

Gulistan (Sa'di)

13 / AUGUST 1992

12 OCAK 1994

090312 GULISTAN  
5437. Sa'di: [Gulistān] Gulistān-i Sa'di / taṣḥīḥ wa taudīḥ Sa'di. - Cāp 1. - Tih-rān: Intiṣārāt-i Ḥwārazmī. [1989] = 1368 h.s. - 815 S.  
Inhalt: Gulistan. - In arab. Schrift, pers. 30 A 7757

MADE YAYINDIRILAN  
SÖZLÜKÜMÜZ  
SÖZLÜKÜMÜZ

تاج بخش، اسماعیل (ناقد و توصیف کننده)

616- «گلستان سعدی چاپ جدید».

کتاب ماه ادبیات و فلسفه، پیاپی ۸۹ و ۸۰ ص ۱۴۲-۱۴۷،

فارسی، کتابنامه: ۱۴۷. *Gulistan*

کد پارسا: A۴۵۱۸۱

عنوان متن تقد شده:

گلستان سعدی، منوچهر دانش پژوه [شارح]

کتاب گلستان سعدی براساس نسخه تصحیح

شده محتدلی فروعی و یا مقلمه و شرح و حاشیه منوچهر

دانش پژوه توسط انتشارات هیرمند چاپ شده است.

تصحیح گلستان سعدی

تاجیک، ابوالفضل

«وادیهای سلوک در منطق الطیر».

(شماره ۳۲-۵)

دیوان های سده چهارم - ششم - منطق الطیر - بررسی

موضوعی منطق الطیر

Gençtürk, Tülay. "Çağatayca Gulistan tercümesinin incelenmesi." Doktora Tezi. Marmara Üniversitesi, *Devanecide* (Danışman: Prof. Dr. Orhan Bilgin) 070317

20 MAYIS 1998

22 TEM 2008

090317 GÜLISTAN

16. KARAMANLIOĞLU, Ali Fehmi ( Dr. ) ✓

06 OCAK 1994

İstanbul Üniv. Edb. Fak. İstanbul 1967, II c, XIX+453 s. eb: 23x18 cm.

Doçentlik tezinin adı:

"Gülistan Tercümesi."

Önce eser ve dili ele alınmıştır. Bu çalışmadan sonra metin verilerek üzerinde durulmuş, metinle ilgili izahlardan sonra umumi bir " Netece " ile Tez tamamlanmaktadır.

# الدِّرَاسَاتُ الْأَدَبِيَّةُ

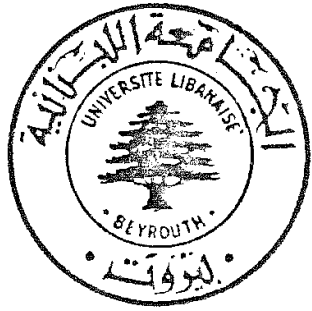
في الثقافتين العربيّة والفارسيّة وتفاعلهما  
در فرهنگ ایرانی و عربی وتأثیر آنها در یکدیگر

سعدى الشيرازى  
حكيم شيراز وشاعر الانسانيه

معالي الاستاذ علي دشتي سفير ايران في بيروت من الشخصيات الادبية والسياسية المرموقة في ايران ، وهو من الادباء القلائل الذين برزوا في ميدان الادب الوجداني الابتداعي كما برزوا في ميدان الدراسة الادبية والنقد الادبي بما قدم من كتب قيمة في كلا الميدانين . ويمتاز الاستاذ دشتي بأسلوب عذب وبطريقة خاصة تجعل كتاباته طليقة شيقة فيها كثير من السلاسة والرفقة والجمال حتى لتتخذ كتاباته نماذج في المؤلفات الكلاسيكية للنثر الفارسي الحديث وقد اتجه الاستاذ دشتي في السنوات المتأخرة الى الدراسات النقدية والتحليلية في الشعر الكلاسيكي الفارسي ، فقدم للمكتبة الفارسية حتى الآن اربعة كتب دراسية في اربعة شعراء كبار هم حافظ وسعدي الشيرازيان والخاقاني والمولوي الرومي ( جلال الدين ) .  
والدراسة التالية عن سعدي - رغم كونها مترجمة - تعطي فكرة عن اشباعه لدراساته من جهة ، وعن طلاوة اسلوبه من جهة اخرى .  
الدراسات الادبية

## شيراز

كان لكل شيء هناك جده ؛ فالظلال الخفيفة المرتسمة على جنبات الجبال المتقعرة ، والصخور العملاقة المستلقية هنا وهناك وكأنها يرقد تحت كل منها شبح ، وهذه الجدران المتعرجة التي ترسم على وجه السماء مئات الصور وتحجب عن العين الاقنعة المبهمة الساكن ، كل شيء في هذه المنطقه الجبلية كان يختلف عن تلك السهوب الرتيبة المملة التي كانت مجال اوهامي وخيالاتي واماني العميقة التي كانت تمتص بداية شبابي ، فكان الطبيعة هنا قد تحررت من سباتها وخمودها ؛ والنهر المنحدر بهياج وصخب ، يختلف تماماً عما في دجلة والفرات من انسياب بطيء وقور ، ومن امواه مكدره بالتراب . الماء الزلال الذي كان يعبر فوق سرير من الحصى ،



Sa'di: Shirazi

Golestan

Sa'di, Sheykh Moşlehoddin (b c1208 Shiraz, d 1292 Shiraz), the Persian author most widely known in the West since his

*Golestān* (Rose Garden) was the first Persian literary work to be translated into European languages. Sa'di, whose pen-name is derived from the name of the family of Abū Bakre Sa'd b. Zangī who ruled Fars in the first half of the 13th century, was born probably around 1208 (not, as most earlier scholars held, c1182). For nearly 30 years he travelled extensively in the Islamic countries although we no longer take at their face value all the travel accounts and anecdotes in his books. When Sa'di returned, in 1256, to his birthplace he found it in a peaceful state thanks to the political acumen of the Zangid ruler for whom he composed the *Būstān* (Garden, 1257), a didactic poem in ten chapters in the simple metre *motaqāreb*. In 1258, he completed the *Golestān*, which deals with different aspects of human life in eight chapters of mixed prose and poetry. Besides these works, Sa'di composed charming *ghazals* (qv). He can even be considered the first Persian poet to use the *ghazal* for pure love-lyrics. He further wrote a number of *qaṣīdas* (qv) in honour of the Zangid and other rulers. After 1260, political changes affected Shiraz, which eventually became a Mongol province. Sa'di's *Šāhebnāme*, dedicated to the influential minister Shamsoddin Joveyni, contains lyrical and didactic poems. In accordance with the taste of his time, the poet also wrote some *hazaliyāt*, frivolous or obscene verses which some of his European admirers would have liked to expurgate. Sa'di spent his last years in a dervish convent in Shiraz where he died; a beautiful structure has been erected over his tomb.

Sa'di is regarded, with full right, as the perfect master of classical Persian style. His prose and verse in the *Golestān* are so flowing and graceful that the amount of artistry hidden behind their harmonious and refined language can be discovered only by repeated and careful study. He is perhaps the most human Persian author, the 'philosopher of common sense' who teaches correct and elegant behaviour in every possible situation. Yet his is not a superficial etiquette but a way of life, deeply tinged by the values of the inherited religious, and especially mystical, teachings

of Islam which taught him to love all God's creation. His poetry often sings the joy and pain of love, using the traditional imagery with extreme skill. However there is scarcely a poem which does not teach a small moral lesson to the reader. Out of the rich treasure of Islamic and Iranian pre-Islamic legends and stories Sa'di chose, with great taste, those topics which appealed most to his audience, and he offered them in such a form that they were easily memorized by everyone.

Small wonder that his *Golestān* has been, for centuries, the first reading-book in Persian classes throughout the Islamic world, and was likewise recommended as a text-book in Europe by Sir William Jones in 1787. Numerous commentaries in Persian, Turkish and Indian languages have been written to both the *Golestān* and the *Būstān*. Translations, to mention only a few examples, into Turkish go back to the 14th century, and into Pashto to the late 17th century. The first Urdu translation is dated 1802. A book wrongly attributed to Sa'di, the *Pandnāme* (*Karīmā*) was very popular in India. Libraries in many countries can boast of beautifully illustrated and illuminated manuscripts of the *Golestān* and *Būstān* and also of Sa'di's lyrical poetry, which is highly esteemed in the Persian speaking areas for its lucid style, though less popular in the West. Numerous imitations of the *Golestān* can be traced in the countries under Persian cultural influence, the most famous of them Jāmi's (qv) *Bahārestān*. The first complete translation of the *Golestān* into a Western language was the German one by A. Olearius, published 1654; then followed translations into French, Latin, Dutch and English. The *Būstān* was translated into English in the 17th century by Thomas Hyde.

Massé's bibliography shows the immense amount of material about Sa'di and his influence on European thought during the last three centuries. His didactic approach as well as his chaste language appealed more to a Western audience than the high-soaring, ambiguous verses of many mystical poets of Iran, and Sa'di's 'humanist' teachings are as relevant today as they were 700 years ago.

Trans.: E. Rehatsek, *Sa'di, The Gulistan, or Rose Garden* (London 1964); Omar Ali Shah, *Le jardin de roses—Gulistan* (Paris 1966); A. J. Arberry, *Kings and Beggars, the First Two Chapters of the Sa'di's Gulistan* (London 1945). Henri Massé, *Essai sur le poète Sa'di* (Paris 1919). AS

Annemarie Schimmel

'02 NISAN 1991





نظری کوتاه به کتاب

# «روضه الورد»

ترجمه عربی کتاب گلستان سعدی

از استاد «محمد فراتی»



دکتر جلیل مسگر نژاد  
(دانشگاه علامه طباطبائی)

راستا از ویژگی خاص برخوردار است، زیرا نکات دقیق و باریک و اندیشه‌های هنری را بسادگی و با صرف انتقال معنی به زبان دوم نمی‌توان ترجمه کرد. لازم است مترجم علاوه بر آگاهی لازم به فرهنگ و ادب در هر دو زبان، خود ادیب و شاعر نیز باشد، تا بتواند آن مفاهیم نهفته و دقایق مرموز را بشناسد و به بیان هنری دیگری به زبان دیگر برگرداند، و بقول حافظ:

هزار نکته باریک ترز مو اینجاست

نه هر که سر بتراشد قلندری داند

ترجمه از ابراهیم شورابی:

و ما اکثر النکات الدقیقة التي تكاد تفوق في

دقتها هذه الشعرات التحيلة و ليس كل من

يحلق رأسه ليعلم سرّ الدروشة و القلندرة.

در جهان معاصر کار ترجمه دارای ابعاد بسیار گسترده است و ترجمه را امروزه برابر تألیف می‌دانند و کار مترجم را حتی در پاره‌ای موارد بالاتر از تألیف بحساب می‌آورند. زیرا انتقال فکر و اندیشه از زبانی به زبان دیگر نه تنها کار ساده‌ای نیست، بلکه تسلط و مهارت مترجم را حداقل در دو راستا می‌طلبد.

اول اینکه مترجم باید به تمام ریزه‌کاریهای دو زبان مسلط باشد؛ در ثانی لازم است مترجم خود در موضوع کتابی که ترجمه می‌کند، عالم باشد. برای مثال مترجم آثار فلسفی علاوه بر تسلط به دو زبان باید خود در فلسفه بطور عموم و در کتابی که ترجمه می‌کند علی‌الخصوص تخصص داشته باشد.

بنظر من ترجمه کتاب‌های ادبی و شعر در این

ziyâde in'âmlar ihsân idüp (52-b) ve harem-i Hümâyundan bir melek-sîmâ, kamer-peyker, gül-ruh bir kız oğlan kız câriye çirâg idüp Ahmed'e akd-i nikâh eyledi. Ama davetde olanlar Sultan Murad'ın bu işine cümle tahsin ve âferîn eylediler. İşte bunun için dahi birbiri ardınca cuma gicesi gerdek idüp bunları ber-murâd eyledi. Nice zaman zevk u safâ ile ömür sürdiler deyü nakl iderler (53-a).

## SARAYLI SEYF'İN KIPÇAKÇA GÜLISTAN TERCÜMESİNDEKİ BİR İBARE ÜZERİNE

Dr. Osman F. Sertkaya

1. Meşhur İranlı şâir Sâdî-i Şîrâzî'nin, dünya edebiyatının en güzel ve en önde gelen hikemî hikâye kitaplarından birisi olan, *Gülistan*<sup>1</sup> adlı eserinin Türkçeye yapılan en eski tercümesi M. 1391 (H. 793) tarihini taşımaktadır. Hâlen, bilinen tek yazması Hollanda, Leiden Üniversite Kütüphânesi, Or. 1553 numarada kayıtlı olan bu tercüme, Saraylı Seyf (Seyf-i Sarâyî) adlı bir şâir tarafından Kıpçak Türkçesine yapılmış bir tercümedir<sup>2</sup>.

Saraylı Seyf'in Memlûk Kıpçakçası ile yapmış olduğu bu ter-  
cümeden yedi yıl sonra, *Gülistan*, M. 1397 (H. 800) tarihinde, Si-  
mâbî mahlaslı Sayramlı bir şâir tarafından Çağatay Türkçesine  
tercüme edilmiştir. Hâlen, British Museum, Or. 11585 numarada  
kayıtlı olan bu yazma, takriben baştan iki-üç varak, sondan ise 8-10  
varak kadar eksiktir<sup>3</sup>.

Saraylı Seyf'in *Gülistan* Tercümesi, ilim âlemine, M. Th. Hout-  
sma ile Thury Jozsef tarafından tanıtılmıştır<sup>4</sup>. Eserin Türk ilim  
dünyasına tanınması ise R. H. (Özdem)'nin T. Jozsef'in makalesini  
Türkçeye tercümesi ile sağlanmıştır<sup>5</sup>. Metnin tıpkıbasımı ise, bir ön-  
sözle birlikte, Prof. Dr. Feridun Nafiz Uzluk tarafından yayınlan-  
mıştır<sup>6</sup>.

- 1) H.F. Hofman, *Turkish Literature, A Bio-Bibliographical Survey*, Utrecht 1969, Section III, Part I, Vol. 5: P-S, s. 128-135.
- 2) H.F. Hofmann, aynı eser, s. 173-175.
- 3) H.F. Hofmann, aynı eser, s. 132-133; J. Eckmann, "Sâdî *Gülistan*'ının bilinmeyen Çağatayca bir çevirisi", *Türk Dili Araştırmaları Yılıbği*, Bel-  
leten 1968, Ankara 1969, s. 17-29.
- 4) M. Th. Houtsma, *Ein Türkisch. Arabisches Glossar*, Leiden 1894; T. Jozsef  
"Török nyelvmélékek a XIV század végéig, Budapest 1903, s. 52.
- 5) Ragıb Hulusi (Özdem), "Ondördüncü asır sonlarına kadar Türk dili  
yâdigârları", *Millî Tettebbular Mecmuası*, II/4, İstanbul 1331 (1915), s. 133.
- 6) T. D. K., *Seyfi Serâyî *Gülistan* Tercümesi*, Prof. Dr. Feridun Nafiz Uz-  
luk'un Önsöz'ü ile birlikte, Ankara 1954, XVIII+372 s.

TÜRK KÜLTÜRÜ ARAŞTIRMALARI

XVI / 1-2 (1977-1978)

Ankara, s. 225-229.

URCUA

س. 129-144

Molla Gūrāni  
- Gōlīstān (Sādī)

دکتر محمد مهدی پور\*

سایه‌ی «گلستان» در «سنبلستان»  
(معرفی کتاب «سنبلستان» شیخ شجاع گورانی)

21 EYLÜL 2007

مقدمه

در ایام حضورم در «رای‌زنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» در سارایوو، پایتخت کشور بوسنی، در حین تفحص در «کتاب‌خانه‌ی غازی خسرو بیگ» در میان کتب خطی فارسی فراوان، کتاب «سنبلستان» تألیف شیخ شجاع الدین گورانی نظرم را به خود جلب کرد. در نخستین توجه بوی «گلستان» سعدی را از آن «سنبلستان» شنیدم. برای تحقیق امر، تصویری را از کتاب یادشده تهیه کرده، به مطالعه درگرفتم. پس از مطالعه و مقایسه‌ی دقیق، تأثیرپذیری عمیق و وسیع این کتاب، از «گلستان» سعدی محقق شد و برای آشنایی علاقه‌مندان زبان و ادب فارسی، معرفی این نسخه‌ی نادر و ارزشمند را مختتم شمردم.

MADDİ YATIRILANDI YA  
SONRA GELEN DUKUMAK

ISSN 1023-7926

نشریه

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه تبریز

۴

زمستان ۱۳۷۷ Tebriz

سال ۴۱ شماره مسلسل ۱۶۹

قیمت ۳۰۰۰ ریال

\* عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز

## EĞİTİM BAKIMINDAN GÜLİSTAN

Âdem CEYHAN\*

## ÖZET

Bu çalışma çerçevesinde öncelikle Osmanlı Devleti'nin son çeyrek asrıyla Cumhuriyet'in ilk çeyrek yüzyılımı idrak etmiş; bilhassa terbiye ilmine dair ve biyografiye ait eserleriyle tanınmış, son derece verimli bir şair ve yazar olan İbrahim Alâeddin Bey'in 1925 yılında bir terbiye dergisinde yayımlanmış olan "Terbiye Nokta-i Nazarından Gülistan" başlıklı yazısının yeni harflere çevirdiğimiz asıyla günümüz Türkçesine aktarılan şekli takdim edilecektir. Bu eser, eğitim tarihimizin yazılabilmesi için, millî tarihimizde tesirli olmuş, mektep ve medreselerde uzun zaman boyunca okutulmuş; asırlar ve nesillerce gördüğü rağbet dolayısıyla "bizim klâsiklerimiz" diye-bildiğimiz eski edebî eserlerimizin incelenmesi gerektiğini belirten ve Sadfî Şirâzî'nin Gülistan'ı üzerinde bu görüşün tatbiki örneğini veren bir ettüttür.

**Anahtar kelimeler:** Eğitim, Gülistan, İbrahim Alâeddin Bey, "Terbiye Nokta-i Nazarından Gülistan"

## EDUCATION IN POINT OF GÜLİSTAN

## ABSTRACT

In this paper first of all we want to give "Education in Point of Gülistan" named paper with latin letters and nowadays Turkish. This paper was published in a manner journal in 1925 and its' writer is İbrahim Alâeddin who was alive between last quarter century of Ottoman State and first quarter of Turkish Republic. This paper is a working wants to say that our old literature books -which can be named as "our classics"- are to be examined. And this paper was effective for our national history to write our education history, were read long time in Moslem seminary and schools.

**Key words:** Education, Gülistan, İbrahim Alâeddin Bey, "Terbiye Nokta-i Nazarından Gülistan"

Değerli meslektaşım Atabey Kılıç, merhum Prof. Dr. Tunca Kortantamer hatırasına misafir editör olarak hazırladığı derginin sayısı için benden de bir yazı isteyince, böyle takdire şayan bir çalışmaya nasıl bir makaleyle katılmanın uygun olacağını düşünmeye başladım... Aslında birkaç sene önce hoca için son vazife yeri olan Ege Üniversitesi Edebiyat Fakültesi'nde mesai arkadaşları ve öğrencileri tarafından hazırlanan armağana ben de bir yazıyla katılma isteği duymuştum... Çünkü 1995 yılında, yani tam on iki sene önce, öğretim üyeliğine atanmam için kurulan jürinin üyelerinden biri de Tunca Bey'di. Yüksek lisans ve doktoramı, orta dereceli okullarda öğretmenlik yaparak tamamladığım için, tezler dışında ilmi çalışma ve yayın yapmaya pek vakit bulamamıştım. Bundan dolayı, dosyamda henüz yayımlanmamış doktora tezinden başka, gazete ve dergilerde çıkmış birkaç yazıyla neşredilmemiş birkaç makalem vardı. Esasen yardımcı doçentlik kadrosu için adayın sadece doktora tezinden, yaptıkları ve yapabilecekleri hakkında bir fikir edinmenin mümkün görüldüğü malumdur... Diğer jüri üyelerinin raporu, kısa sayılabilecek bir zaman zarfında üniversitemize ulaştığı hâlde, Tunca Bey'in raporu, nedense, gecikiyordu... Raporu da hatırlatmak maksadıyla kendisine bir bayram tebriği göndermişim. Nihayet gelen kısa ve olumlu raporundan, dosyamda bulunan yazıları okuduğu anlaşılıyordu. Bölümümüzde asistan ve öğretim üyesi olarak çalışan eski öğrencilerinin anlattıklarından, titiz ve güç beğenir bir bilim adamı olduğumu öğrendiğimiz hocanın bu yardımına fiilî bir teşekkür niyetiyle basılmış doktora tezimi göndermişim kendilerine... Bir makalesindeki atfından anlaşıldığına göre, bu mesnevinin, daha ziyade mizaha dair bölümü dikkat nazarını çekmişti hocanın...

Hastalığa yakalandığı ve tedavisinin devam ettiği zaman, (galiba 2001 yılıydı), bölümümüzdeki bazı öğretim elemanlarıyla birlikte kendilerini fakülteodaki odasında ziyaret etmiştik. Bizim daha ziyade dinleyici olduğumuz bu ziyarette, hoca mizah konusundaki makale ve tebliğlerinden bahsetmiş; bu arada gülmenin, ağlamanın, mizahın İslâm kültüründeki yerinden, İslâm âlim ve filozoflarının fikirlerine atıflarda bulunarak bahsetmiş; Hz. Peygamber'in bir nüktelerini de ona saygısını belirten bir ses tonuyla gülümseyerek anlatmıştı. Ayrılrken, Tunca Bey'in bir makalesindeki tenkitlerinden nasibini alan bir hocanın selâmlarını da iletmişim

\* Prof. Dr., Celal Bayar Üniversitesi Fen- Edebiyat Fakültesi Türk Dili ve Edebiyatı Bölümü, MANİSA.  
ceyhanadem@hotmail.com

kendilerine... Lisans ve doktora yaparken dersler aldığım bu zat, Tunca Bey'in ağır hastalığından bahsettiğimde, samimi bir teessür göstermiş; kendilerine selâmlarını ve şifa dileklerini iletmemi istemişti benden... 2002 yılı güzünde, galiba bir eyül günüydü... Yıllık tatilimi geçirdiğim şehirden yurda döndüğümde, beni havaalanında karşılamaya gelen arkadaşım vermişti hocanın vefat haberini... Kendileriyle çok tanışıklığımız olmamasına rağmen, bilim dalımızın bu kaybına üzül müştüm gerçekten. Takdir karşısında ne denebilirdi ki? Allah'tan rahmet diledik; taksiratının affedilmesini diledik... İzmir'e hemen hemen her gidiş gelişimde, Bornova Mezarlığı'nın önünden geçenken, onu hatırlıyor; hayatın ve ölümün manası üzerinde derin düşüncelere dalyordum...

Öğrencisi ve mesai arkadaşı olmasam da meslek hayatımın başında hakkımda müsbet bir rapor yazan, ayrıca makale ve kitaplarını okuduğum, talebeme de yeri geldikçe tavsiye ettiğim bu değerli hoca adına hazırlanan armağana bir yazıyla katılmak, benim için bir gönül borcuydu. Fakat maalesef, bir öğretim üyesinin zamanının önemli bir kısmını alan lisans ve tebliğ(ler) yüzünden, imtilhanlar, ayrıca o sırada tamamlamak mecburiyetinde olduğum makale ve tebliğ(ler) yüzünden, hocanın itinasına yakışacak bir yazıyı bitirip gönderememişim. Tunca Bey'in Eski Türk Edebiyatı'nda hiciv ve mizah konusunda değerli yazı ve radyo programlarının olduğunu, hatta bölümünde bu konuda bir ders koyduğunu biliyordum. Şahsen ben de mizahı sevdiğim, şair ve yazarlarımızın nüktelerini belli başlı biyografik kaynaklarımızı tarayarak derlemeyi de öteden beri tasarladığım için, "Nasihatnamelere Göre Mizah Adabı" başlıklı bir makale hazırlamayı düşünüyordum; burada şair ve yazarlarımızın hem millî ve manevî değerlerimizin temel kaynaklarına, hem de şahsî tecrübe ve müşahedelerine dayanan düşünce ve tavsiyelerini topluca ele almayı plânlıyordum. Gülmenin, mizahın millî tarih ve kültürümüzle gündelik hayatımızdaki yeri üzerinde durmayı, "esprî" anlayışının bilgi, görgü, zekâ ve ahlâkî seviyeye, hatta coğrafi mütaka ve ülkelere göre nasıl farklılıklar gösterdiğini belirtmeyi, zamanımızda "nükte" kelimesinin ifade ettiği inceliğe aykırı olarak kaba, kırıcı, küçük düşürücü, korkutucu, utandırıcı örneklerine üzülmüş şahit olduğumuz "şaka" programlarını ve ahlâkî sınırları aşan "mizah" dergilerini tenkit etmeyi de hedefliyordum. İşaret ettiğim engellerden ötürü, diğer bazı projelerim gibi, bu da düşünce safhasında kaldı...

Şu takdim yazısında, hoca hakkındaki bazı ufak tefek hatıra ve itibalarımı da yazmanın faydadan hâli olmayacağını düşünüyorum. Çünkü bizde eski hocalar hakkındaki acı, tatlı nice hatıra, maalesef çeşitli sebepler, endişeler dolayısıyla kayda geçirilmediği ve sözlü rivayetler hâlinde kaldığı için, kaybolup gidiyor... Ben "Tunca Kortantamer" adını, galiba ilkin 1990'lı yılların başında, bir doktora öğrencisiyken duymuştum. "Eski Türk Edebiyatı" bilim dalında doçentlik imtihanına giren akademisyenlerin, titizliği ve güç beğenirliği dolayısıyla en çok çekindiği, hatta korktuğu isimlerden biriydi "Kortantamer" adı... Doçentlik sözlü imtihanına giren bir hocanın, Tunca Bey'in o esnadaki tavrından kızgınlıkla bahsettiğini hatırlıyorum meselâ... Jüri üyesi, tenkitlerinde ne kadar objektif ve adil, ona karşı şiddetli reaksiyon gösteren aday, itirazında ne derece haklıydı? İki tarafı da dinlemeden ve tenkit edilen çalışma ve yayınları görmeden bu hususta sıhhatli bir fikir edinmek mümkün değildi elbette... Anlatılanlara bakılırsa, Kortantamer önüne gelen dosyadaki yayınları öyle kolay beğenip olumlu görüş ifade eden bir kişi değildi... Şahsen ben de ilmi çalışmaları ve eserleriyle doktorluk, doçentlik gibi bir akademik unvanı gerçekten hak eden kişinin o dereceyi elde etmesinin türlü sebeplerden dolayı engellenmesini ne kadar ahlâk, adalet ve insafa aykırı buluyorsam, hak etmeyen bir kişiye de öyle mühim bir payenin verilmesini kaliteyi düşürücü, kolaycılığa sevk edici, haksız bir yükseltme olduğu kanaatine sahibim. Kortantamer'in titizliğinde ve menfi olduğu söylenen bu gibi tavırlarında, benimsediği dünya görüşünün ve yaşama biçiminin ne kadar tesiri olmuştur, onu şu anda iyice bilmiyorum, ama adayları daha dikkatli ve itinalı çalışmaya zorladığı için, bu davranışını takdire değer bulduğumu belirtmek isterim...

1993 yılında Marmara Üniversitesi Fen- Edebiyat Fakültesi *Türklük Araştırmaları Dergisi*'nde yayımlanan "Genç Edebiyat Araştırmacısının Yanıtları" başlıklı uzunca yazısı, hocanın lisansüstü çalışmalarda gördüğü birtakım eksiklik ve yanlışlar hakkındaydı. Tunca Bey, burada tarihî edebî metinlerin nesri, şerhi, tez plânını yapılışı, ilmi yazılarda üslup, tenkitli metin (edisyon kritik) gibi konulardaki dikkate değer tecrübe, tavsiye ve düşüncelerini aksettiriyor; genç (orta yaşlı, hatta eğer tavsiyelerden faydalanabilecek kabiliyete sahipse, bazı ihtiyar) edebiyat araştırmacılarına da yol gösteriyordu... Belki hocanın söz konusu yazısında ifade ettiği bir kısım

حکایه‌ها را آغاز کرد. درون‌مایه آثار او بیشتر مسائل اجتماعی، مبارزه میان نیروهای نیک و بد و احیای رسم و آداب پیشینیان و نیاکانش است. استادان ادب و فرهنگ به برخی نوشته‌های وی درباره انسان معاصر توجه نشان داده‌اند. روشن در ۱۹۹۲م انتشاراتی خصوصی به نام افسانه در شهر دوشنبه به راه انداخت و در همین نشر، چندین مجموعه از آثار شاعران و نویسندگان تاجیک را به چاپ رساند. از وی مجموعه قصه و داستان‌هایی به نام گورکن چاپ و منتشر شد (۱۹۹۹م). افزون بر این، چندین مجموعه دیگر از قصه و حکایه نیز در شمار آثار او است که به چاپ رسیده‌اند. از آثارش: شاه بز سفید (دوشنبه، ۱۹۹۰م)؛ چشمه (دوشنبه، ۱۹۹۵م).  
 منبع: گورکن، مجموعه حکایه‌ها، ۳.

م.شکورزاده

روضه الانشاء (row.zā.tol.en.šāē)، کتابی به فارسی در بردارنده مجموعه‌ای از نامه‌های دریاری، نوشته محمدرضای بلخی. از مضمون نامه‌ها برمی آید که در آغاز سده نوزدهم میلادی فراهم شده است. در این مجموعه بیش از دوست نامه امیر بخارا به فرمانروایان، خویشاوندان امیر، مشایخ، قضات، وزرا، خوش‌نویسان، نقاشان و نیز فرمان‌هایی مبنی بر اعطای القاب و منصب‌های اوراقی، وزارت، دادخواهی، امارت، املاک‌داری، حاکمی و ضرب سکه گردآمده است. دست‌نویس‌هایی از روضه الانشاء در پژوهشگاه خاورشناسی فرهنگستان علوم تاجیکستان و ازبکستان نگه‌داری می‌شود.

منابع: فهرست دست‌نویس‌های شرقی فرهنگستان علوم ازبکستان،

۱۵۹/۱؛ فهرست دست‌نویس‌های شرقی در آکادمی علوم تاجیکستان،

۱۴۱/۱ - ۱۴۲: ۷۸۴/۲ - ۷۸۵؛ نسخه‌های خطی، دفتر نهم، ۹۹.

قبادیانی

روضه العشاق (row.za.tol.oš.šāq)، اثری ادبی به فارسی در باب عشق و صفات عاشق، نوشته خرمی تبریزی. این اثر در ۹۶۴ق تألیف و به عبدالعزیز خان اشترخانی، پادشاه بخارا، پیشکش شده است. روضه العشاق به پیروی از گلستان سعدی در یک مقدمه و هشت باب بدین ترتیب فراهم آمده است: باب اول در استغنا و تندخویی معشوق و نتیجه آن، باب دوم در گرفتاری عاشق و زاری ایشان، باب سوم در حسن و ادای معشوق و اخلاق پسندیده ایشان، باب چهارم در صفت اخلاص عاشق و اصول

روشن ضمیر (row.šan.za.mir)، ولی‌یوف میرزاغنی، روستای رومان در ناحیه خجند ۱۹۴۸م - نویسنده، نویسنده تاجیکستانی. در ۱۹۷۱م رشته زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه دولتی خجند به پایان برد. در ۱۹۷۱م در روزنامه حقیقت لنین‌آباد، از ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۴م در کومسومول تاجیکستان و از ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۲م در صدا و سیمای جمهوری تاجیکستان به کار سرگرم بود. وی در ۱۹۹۶م ریاست صدا و سیمای لنین‌آباد (اکنون استان سغد) و از ۱۹۷۷م معاون سردبیری روزنامه طراز جهان را عهده‌دار بود. روش ضمیر در ۱۹۹۶م برنده جایزه ادبی حاجی صادق شد. داستان‌ها و قصه‌های روشن ضمیر دارای مضامین اجتماعی و اخلاقی است. از آثارش: از خجند تا مکه (خجند، ۱۹۹۵م)؛ میوه عمر (خجند، ۱۹۹۵م)؛ باز زمین پیوند باش (خجند، ۱۹۹۹م).  
 منبع: دانشنامه خجند، ۱۹۲.

م.شکورزاده

روشن همراه (row.šan-e.ham.rāh)، روستای وشن در ناحیه عینی ۱۹۶۰م / نویسنده، شاعر تاجیکستانی. رشته زبان و ادبیات فارسی تاجیکی را در آموزشگاه آموزگاری پنجکند و دانشگاه آموزگاری خجند به پایان برد و در ناحیه یابان به آموزگاری پرداخت. اشعارش در نشریه‌های تاجیکستان منتشر شده است. کتاب او به نام گرد ستاره در ۱۹۹۰م در دوشنبه به چاپ رسیده است.

قبادیانی

روشن یارمحمد (row.šan.yār.mo.ham.mad)، ناحیه فیض‌آباد ۱۹۴۲م - نویسنده و روزنامه‌نگار تاجیکستانی. در ۱۹۶۴م رشته زبان و ادبیات تاجیک را در دانشگاه دولتی تاجیکستان به پایان رساند. سپس در بخش ادبی صدا و سیمای جمهوری تاجیکستان، کمیته طبع و نشر تاجیک و روزنامه ادبیات و صنعت به فعالیت فرهنگی پرداخت. از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۷م مترجم کارشناسان روسی در افغانستان بود. پس از بازگشت از افغانستان، کارهای فرهنگی را از سرگرفت. در ۱۹۹۱م به سردبیری ماهنامه تاجیکستان برگزیده شد. تا ۱۹۹۳م در ماهنامه‌های صدای شرق و هفته‌نامه ادبیات و صنعت کار کرد. پس از ۱۹۹۳م مدیریت و مشاوره بخش نشر در اتحادیه نویسندگان تاجیکستان به او سپرده شد. وی از ۱۹۷۵م نوشتن

Golestan

*Catalogue of the Persian Manuscripts in the Salar Jung Museum and Library II*, Hyderabad, 1966, pp. 242-48. Badri Ātābāy, *Fehrest-i kotob-e adabi 'erfāni-e kaṭṭi-e Kāk-e Golestān*, Tehran, 1357 Š./1978. Moḥammad-Taqi Dānešpažūh, "Ketāb-kāna-ye Golestān," *FIZ* 26, 1365 Š./1986, pp. 109-82. Idem, "Fehrest-e nosaq-e kaṭṭi-e Ketāb-kāna-ye Majles-e senā," *Nosqahā-ye kaṭṭi* 6, 1348 Š./1969, pp. 427-587. Idem, "Āstān-e rāzawi dar Golestān-e honar-e Qomi," *Nāma-ye Āstān-e qods* 9/4, 1352 Š./1973, pp. 115-27. Idem, "Rang-sāzi dar kāgād wa rang-zedā'i az ān," *Honar o mardom*, no. 181, 2536 (1356) Š./1977, pp. 16-35. Massumeh Farhad and Marianna S. Simpson, "Sources for the Study of Safavid Painting and Patronage. or, *Méfiez-vous de Qazi Ahmad*," *Muqarnas* 10, 1993, pp. 286-91. Aḥmad Golčīn-e Ma'āni, *Taqḍerahā II*, pp. 708-32. Ḥosayn-'Ali Maḥfuz, "al-Maḥṭuṭāt al-'arabiya fi 'l-'Erāq," *Majalla ma'had al-maḥṭuṭāt al-'arabiya* 4/2, 1958, pp. 195-228. Firuz Maṣūri, *Fehrest-e asāmi o ātār-e košnevisān-e qarn-e dahom-e hejri-e qamari wa naqd o barrasi-e Golestān-e honar*, Tehran, 1366 Š./1987. Najib Māyel Heravi, *Ketāb-ārāyi dar tamaddon-e eslāmi*, Mašhad, 1372 Š./1993. Ḥosayn Modarresi Tabāṭabā'i, "Qāzi Aḥmad Qomi," *Barrasihā-ye tāriki* 10/2, 1354 Š./1975, pp. 63-99. Ḥasan Narāqi, "Golestān-e honar," *Honar o mardom*, no. 144, 1353 Š./1974, pp. 57-63. Ḥosayn Naḳjavāni, "Mo'arref-i-e ketāb-e Golestān-e honar," in idem, *Čehel maqāla*, Tabriz, 1343 Š./1965. Qāzi Aḥmad, *Golestān-e honar*, tr. Boris N. Zakhoder as *Traktat o kalligrafakh i khudozhnikah, 1596-97/1005*, Moscow and Leningrad, 1947; tr. Vladimir Minorsky as *Calligraphers and Painters: A Treatise by Qāḏī Aḥmad, Son of Mīr-Munshī*, Washington, D.C., 1959.

(KAMBIZ ESLAMI)

**GOLESTĀN PALACE**, see KĀK-E GOLESTĀN.

**GOLESTĀN PALACE LIBRARY**. See BIBLIOGRAPHIES AND CATALOGUES: ROYAL LIBRARY.

**GOLESTĀN PROVINCE**. See GORGĀN.

**GOLESTĀN-E SA'DI**, probably the single most influential work of prose in the Persian tradition, completed in 656/1258 by Mošarref-al-Din Mošleḥ, known as Shaikh Sa'di of Shiraz (for the confusion about his name, see Šafā, III/1, pp. 584-614). It was dedicated to the Salghurid Atabeg in Fārs, Moẓaffar-al-Din Abu Bakr b. Sa'd b. Zangi (G51), and his son, Sa'd (G54), as well as the vizier Faḳr-al-Din Abu Bakr b. Abi Našr (G55; concerning these dedicatees see Qazvini, pp. 721-31, 747-49). Sa'di hoped his work would also cause future readers to remember

the "dervishes" in their prayers. He evidently did not appear at court in person to present the *Golestān*, feeling it inappropriate to the station of the dervishes with whom he associated (*ṭā'efa-ye darvišān*), though this group did feel an obligation to acknowledge their benefactors (*šokr-e ne'mat-e bozorgān wājeb*). Sa'di apologizes for the delay in presenting a token of service to the court, perhaps suggesting that he had not submitted any work since the dedication of the *Bustān* (q.v.) in the previous year.

As these dual allegiances might lead us to expect, striking the proper balance between the exercise of efficacious power and of enlightened moral authority in political relations, and the assertion of self-interest versus humane altruism in interpersonal relations, are central concerns throughout the *Golestān*. Written in prose liberally sprinkled with verse in a variety of forms and meters, the *Golestān* follows the general themes and organization of the *Bustān*, but is grouped under eight (rather than ten) chapter rubrics, like the eight gates to paradise (G57): "On the Conduct of Kings" (41 stories), "On the Morals of Dervishes" (48 stories), "On the Excellence of Contentment" (29 stories), "On the Benefits of Silence" (14 stories), "On Love and Youth" (21 stories), On Frailty and Old Age (9 stories), On the Effects of Education (*tarbiat*, 20 stories), On Manners (non-narrative aphorisms and maxims).

In the epilogue, Sa'di describes the *Golestān* as primarily entertaining, a feature he predicts may lead moralist critics to dismiss it, but explains his purpose as delivering sermons (*maw'ēza*) and counsel (*našihat*) in a palatable form (G191). He does this with deliberate terseness and concision (*be ṭariq-e eḳtešār*, G56: *ijāz-e soḳan-rā mašlahat did*, G57) through anecdotes and witticisms (*nawāder*), parables (*amṭāl*), tales (*ḥekāyāt*), and reports about the conduct of the kings of the past. With few exceptions (e.g., chap. 2:40), Sa'di narrates these in prose, typically reserving verse to punctuate the narrative with commentary or draw a moral from it. The narratives range in length from jokes delivered in a short sentence or two (e.g., chaps. 1:12, 3:25), to stories which unfold over several pages (e.g. chaps. 3:28, 5:19, 7:20). Sa'di hopes the crown prince will read the book and not find it tiresome, and that the vizier will likewise approve (G54-55). As Adam Olearius (p. xviii) remarked in 1654, Sa'di's way of speaking deep truths in terse words was likely to make its impression on kings and potentates.

In several vignettes, Sa'di gives a highly stylized account of the circumstances which inspired him to write the *Golestān*, telling us of his conviction, reached after contemplating one night how he had wasted his life, that one should strive to capture the prize of righteousness (*guy-e niki*; G52). He therefore decided to withdraw from society, erase the delirious things he had written, and take a penitent vow of silence for the rest of his life. However, an old friend comes to visit and is vexed by this unsociable

MADE YAYMLANDIKTAN  
SONEA GELEN DUKUMAN

*Farangestān*, ed. M. Rezwānī and F. Qāzihā, 3 vols., Tehran, 1370-73 Š./1991-94, passim.

(JEAN CALMARD)

**FEVZİ (FAWZĪ) EFENDĪ**, MEHMET, Ottoman author who wrote some books in Persian (b. Tavas district of Denizli province, 1826; d. Istanbul, 28 Rabīʿ II 1318/25 August 1900). Fevzi Efendi studied with a number of scholars, including Evliyāzāde Ali Rızā (Awlīyāʿzāda ʿAlī-Rezā) Efendi in Manisa. Fevzi Efendi was appointed mufti of Edirne ca. 1847 and became known as “Edirne Müftüsü” because of his long tenure in that office.

Fevzi Efendi wrote more than sixty works, mostly in Arabic and on religious topics, two of which were all or partly in Persian. The first is *Bolbolestān*, a work in the style of *Golestān* and its imitations. Written in flawless and easily-understandable Persian, it was published in Istanbul in 1310/1894 and dedicated to the Ottoman sultan ʿAbd-al-Ḥamīd II (r. 1876-1909). It is Sufi in character and contains stories about famous saints and the qualities of sainthood. Essentially a prose work, like the *Golestān*, it adds one to three appropriate couplets at the end of each story. Although the author states at the outset that it has eight parts (*nehāl*) inspired by the eight heavens, there are in fact only two parts. The second book, *Meftāḥ al-najāt*, is a commentary in three languages (Arabic, Persian, and Turkish) on the *Qasīdat al-borda* by Šaraf-al-Dīn Būšīrī (d. ca. 694/1294). To facilitate understanding of its couplets, separate prose explanations and translations of them were included. The text, written in a lively, pretty, and open style, was published in Istanbul in 1284/1867-68.

*Bibliography*: M. Ṭāher (Tahir), *ʿOṭmānī moʿalleferī (Osmanlı Müellifleri)*, Istanbul 1915. *Türk Dili ve Edebiyatı Ansiklopedisi*, s.v. Fevzi Efendi. M. Uzun, “Fevzi Efendi,” *Türkiye Diyanet Vakfı İslām Ansiklopedisi* XII, Istanbul, 1995, pp. 506-9.

(TAHSİN YAZICI)

**FEVZİ (FAWZĪ) MOSTĀRĪ** (d. 1160/1747), author of the *Bolbolestān*, an imitation of Saʿdī’s *Golestān* (q.v.), the only prose work written in Persian known to be by a Bosnian author.

Born at Blagaj, some 10 km to the southeast of Mostar in Herzegovina, in the second half of the 11th/17th century, Fevzi may be presumed to have received his early education in Mostar before proceeding, like so many ambitious Bosnians, to Istanbul. He was initiated there into the Mawlawī order and received at the celebrated Galata hospice instruction in Persian language and letters as an integral part of his Sufi training. His sojourn must have been quite long, for Qodsī, a fellow Mostārī writer one of whose Turkish *qaşīdas* is the chief source for Fevzi’s biography, remarks, “With nostalgia he recalls the names of Istanbul and Galata” (cited in Kañjī, p. 115). Returning to Mostar, Fevzi took up residence at the Dār al-Maṭnawī,

an institute for the study of the *Maṭnawī* founded almost 100 years earlier by another Mawlawī Persianist of Mostar, Derviş Paşa (Darvīš Pāšā; d. 1011/1602). Fevzi began to give instruction both in the Persian language and in the *Maṭnawī*; as Qodsī expressed it, “a host of the silver-faced would come to his room/to learn from him the sugar of the Persian tongue” (cited in Kañjī, p. 115).

It was while ensconced at the Dār al-Maṭnawī in Mostar that Fevzi conceived the ambition of imitating or even equalling the *Golestān*. The fruit of this ambition, the *Bolbolestān* (compl. in 1152/1739), consists of six chapters (each named a “garden” and subdivided into “trees” and “leaves”) dealing with the following topics: wise sayings of the Sufis; repentance and its beneficial effects; encounters between ascetics and kings; stories of assorted great men; biographies of Bosnian and Ottoman poets who wrote in Persian; and miscellaneous edifying anecdotes. Fevzi fell inevitably short of his goal; in terms neither of style nor of content is the *Bolbolestān* comparable with the *Golestān* or even with other imitations such as the *Bahārestān* of Jāmī or the *Parīšān-nāma* of Qāʿānī. His prose nonetheless has the virtue of clarity, and the work contains much valuable information on the social and cultural history of Ottoman Bosnia, especially Mostar.

Fevzi also composed a certain amount of verse in both Persian and Turkish. Particularly celebrated is his elegy in Turkish to Shaikh Yūsuf of Mostar (d. 1119/1707), a poem in which he incorporates the Mawlawī theme of the Sufi dance mirroring the rotation of the heavens. Fevzi died and was buried in Mostar in 1160/1747, succeeded by other Bosnian Mawlawīs who cultivated Persian letters, both in Mostar and elsewhere.

*Bibliography*: A lithograph edition of the *Bolbolestān* was published in Istanbul in 1312/1894-95; facs. ed. and tr. by M. Malić as *Bulbulistan du Shaikh Fevzi de Mostar, poète hercegovinien de langue persane*, Paris, 1935; tr. into Bosnian (Serbo-Croat) by D. Čehajić as *Bulbulistan*, Sarajevo, 1973. Copies of Fevzi’s verse are said to exist at the Herzegovinian Archive in Mostar. See also H. Algar, “Persian Literature in Bosnia-Herzegovina,” *Journal of Islamic Studies* 5/2, 1994, pp. 260-61. S. Balić, *Kultura Bošnjaka: Muslimanska Komponenta* (The culture of the Bosnian: the Muslim component), Vienna, 1973, pp. 63, 93, 98. Idem, *Die Kultur der Bosniaken*, Vienna 1978, pp. 37, 55. Idem, *Das unbekannte Bosnien: Europas Brücke zur islamischen Welt*, Cologne, Weimar, and Vienna, 1992, p. 249. D. Čehajić, “Pjesme Fevzije Mostarca na turskom jeziku” (Poems by Fevzi of Mostar in the Turkish language), *Prilozi za Oriejentalnu Filologiju* 18-19, 1968-69, pp. 285-314. Idem, *Derviški Redovi u Jugoslovenskim Zemljama* (The dervish orders in the Yugoslav lands), Sarajevo, 1986, p. 33. M. Kañjī, *al-Jawhar al-asnā fī tarājem ʿolamāʾ wa šoʿarāʾ Būsna*, Cairo, 1349/1930. A. Popovic, “La Littérature ottomane des musulmans yougoslaves: Essai de bibliographie raisonnée,” *JA* 259, 1971, p. 317. M.-A. Riāḥī, *Zabān wa adabiyāt-e fārsī*

19 CC BY-NC 2007

سودی در گزارش بیت‌ها، مقوله‌های دستوری حروف، ادات، اسم‌ها، فعل‌ها و روابط دستوری آن‌ها را نیز بیان کرده و به دستور بر پایه قواعد عربی نگریسته است. این اثر به چاپ رسیده است (استانبول، ۱۲۸۸ ق). شرح سودی بر بوستان به قلم اکبر بهروز در دو جلد به فارسی برگردانده شده است (تبریز، ۱۳۵۲ ش). مترجم در برگردان آن، توضیح برخی واژگان ساده و روشن را نیاورده و آن را با نسخه‌های محمدعلی فروغی و رستم علی‌یف مقابله کرده است. این شرح، کامل‌ترین و گسترده‌ترین شرحی است به ترکی که تاکنون بر بوستان سعدی نوشته شده است.

منابع: ادبیات فارسی در یوگسلاوی، ۸۶-۹۵؛ تاریخ ادبیات فارسی، ۱۸۷-۱۸۹؛ تاریخ ادبی در ایران، ۳۵۷/۳؛ زبان و ادب فارسی در بوسنی و هرزگوین، ۱۵۴-۱۵۵؛ شرح سودی بر بوستان؛ شعرا، علما و مردان نامی بوسنی و هرزگوین، ۱۱۷-۱۱۸؛ عثمانلی مؤلفی، ۱/۳۲۲-۳۲۴؛ قاموس‌الاعلام، ۴/۲۶۷۷؛ نگاهی به روند نفوذ و گسترش زبان و ادب فارسی در ترکیه، ۴۶۱-۴۶۲؛ برگدانی‌ویچ، «ادبیات فارسی در یوگسلاوی»، راهنمای کتاب، سال پنجم، شماره ۱۱-۱۲، صص ۹۸۳-۹۹۰

Encyclopaedia of Islam, 9/162.

ادیب‌زاده

شرح سودی بر حافظ ( *šarh-e-su.di.bar.hā.fez* )، شرحی به ترکی بر دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، نوشته سودی بوسنوی (-۱۰۰۶ ق). این شرح با شرح غزل نخست دیوان حافظ، الا یا ایها الساقی، آغاز شده است. در سرآغاز هر فصل بحر و وزن آن آمده و سودی ابتدا واژه‌ها را یک‌یک معنا و از نظر دستوری تجزیه و تحلیل کرده است. سپس معنای تمام بیت را نوشته و برای شرح غزل‌های بعدی از تکرارگویی‌ها پرهیخته است. این شرح شرحی لغوی و فاقد نگرش عرفانی است و شارح از هرگونه تفسیر مجازی و تمثیلی دوری کرده است. مؤلف گاه دیگر شارحان را دست انداخته است. مثلاً، سروری، شارح ترک (-۹۶۹ ق)، در بیت: «به بال و پر مرو که تیر پرتابی - هوا گرفت زمانی ولی به خاک نشست» بال را دم معنا کرده و سودی به طنز آورده است: «کنسی که بال را دم معنا کرده خیلی تدبیر کرده است.» مؤلف از مآخذی که سوهمبرده نامی نبرده است. مثلاً، در آن‌جا که خواسته باد شرطه را در بیت «کشستی

سخن گرچه جان داده‌ام - به میدان فردوسی افتاده‌ام / ستایش کنم شاه با جود را - ستانم صله ملک محمود را» نسخه‌های دست‌نویس از این اثر که آغاز و پایان آن افتاده است به شماره ۲۵۳۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود و گمان می‌رود تاریخ کتابت آن سده یازدهم هجری است.

منابع: تذکره الشعراء، حسن چلبی، ۸۵۷/۲؛ الذریعه، ۲۲۰/۱۹؛ صبح گلشن، ۳۶۵؛ فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ۱۸/۲۲۴-۲۲۶؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۴/۲۹۷۴؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ۲/۱۰۱۰؛ کشف‌الظنون، ۲/۱۰۲۶؛ منظومه‌های فارسی، ۵۱۴

محمدی

شاهی ( *šāhi* )، سده دهم هجری، شاعر ایرانی. وی از شاعران روزگار اسماعیل یکم صفوی (۹۰۶-۹۳۰ ق) بود و به سبب خویشاوندی دوزی که با او داشت، تخلص شاهی را برای خود برگزید. شاهی از ایران به عثمانی رفت و ستایشگر سلیم یکم عثمانی (۹۱۸-۹۲۶ ق) شد. گمان می‌رود کوچ او به عثمانی به سبب یاغیگری بوده باشد. نمونه‌ای از شعرهای فارسی او است: «تاج یکرنگی که صاحب دولتان را بر سر است - این همه گل‌های سرخ باغ آل حیدر است.»

منابع: تذکره الشعراء، حسن چلبی، ۵۱۳/۱-۵۱۴؛ شعر و ادب فارسی در کشورهای همسایه، ۱۶۵؛ قاموس‌الاعلام، ۴/۲۸۳۹؛ نگاهی به روند نفوذ و گسترش زبان و ادب فارسی در ترکیه، ۳۳۴.

سارم

شاهی، بایزید فرزند سلیمان قانونی ← بایزید عثمانی

شرح سودی بر بوستان سعدی ( *šarh-e-su.di.bar.bus.tān-e.sae* ) ( *di* )، شرحی ترکی بر بوستان سعدی، نوشته سودی بوسنوی (-۱۰۰۶ ق). این کتاب در ۱۰۰۶ ق به خواهش شیخ عمرافندی به زبان ترکی نوشته شده است. سودی با توجه به نیاز خوانندگان ترک و دشواری آنان در درک معانی کتاب، به توضیح ساده و کامل بیت‌های کتاب پرداخته است. وی، گذشته از برگردان واژه به واژه هر بیت و معنی هر واژه، بیت‌ها را با بیانی گسترده‌تر شرح داده، تا مقصود گوینده کاملاً به خواننده گزارش شود.



کتابخانه حاجی محمودافندی نگه‌داری می‌شود؛ مخزن الاسرار که ترجمه‌های آزاد از اثری به همین نام از نظامی گنجوی و در همان وزن است و تنها نسخه دست‌نویس آن به شماره ۳۶۹/۱ در میان کتاب‌های آگاه سری لوند در دانشگاه آتاتورک موجود است؛ هفت پیکر که ترجمه‌ای آزاد از هفت گنبد/بهرام‌نامه نظامی است و در سال‌های میان ۹۱۷ تا ۹۱۸ ق سروده شده است و نسخه‌هایی از آن به شماره ۳۶۹/۲ در همان‌جا و به شماره TY.7575 در کتابخانه دانشگاه استانبول نگه‌داری می‌شود؛ ترجمه قصیده برته در صدوچهار بیت که نسخه‌ای از آن به شماره ۵۴۲۷ در کتابخانه فاتح در مجموعه کتابخانه‌های سلیمانیه موجود است؛ جامع‌النظائر که نسخه‌ای از آن به شماره ۵۷۸۲ در کتابخانه عمومی بایزید نگه‌داری می‌شود.

منابع: تذکره هشت بهشت، ۳۶؛ قاموس‌الاعلام، ۷۹۹/۱؛ کتابشناسی نظامی گنجوی، ۳۲۳؛ اصغر دلبری‌پور، «مقلدان و نظیره‌پردازان ترک خنسه»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی بزرگداشت نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی، ۵۷۰/۱، ۵۷۴-۵۷۵، ۵۸۲؛ نگاهی به روند نفوذ و گسترش زبان و ادب فارسی در ترکیه، ۳۲۷؛ غلامحسین بیگدلی، «داستان خسرو و شیرین نظامی و ادبیات ترک»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال بیست‌ویکم، شماره ۱، ۱۳۴۸، صص ۲۵-۴۰؛  
*Türk dili ve edebiyatı ansiklopedisi, 7/325-326; Türk edebiyatı ansiklopedisi, 1/62-63; Türkiye diyanet vakfı İslam ansiklopedisi, 2/123-124.*

رسولی

رضوان (rezvân)، کتابی به فارسی به پیروی از گلستان سعدی، نوشته میرزا آقاخان کرمانی، ادیب، دانشمند و آزادی‌خواه پرآوازه ایرانی (ح ۱۲۷۰ - ۱۳۱۴ ق). این اثر نخستین تألیف میرزا آقاخان است. وی نوشتن رضوان را در بیست‌وپنج‌سالگی در کرمان آغاز کرد، در اصفهان به تکمیل آن پرداخت و پس از آن‌که به عثمانی کوچید، در استانبول به انجام رسانید. مؤلف از سال انجام کتاب در اثری دیگر از خود با نام ریحان بوستان‌افروز چنین یاد کرده: «سال هزاروسی صدوچهار از هجرت گذشته بود که آن کتاب را برآورده، رضوان نام نهادم» و نیز در بیتی از اشعار رضوان آورده است که: «در آن سالی که رضوان مختتم شد».

دهم هجری، شاعر عثمانی. تاریخ زاده شدن و مرگ وی دانسته نیست. به گفته خود او از مردم اوخری (در ولایت مناستر) بود. رسمی نام پدر وی را عبدالله گفته است. رضوان در روزگار فرمانروایی بایزید دوم (۸۸۶ - ۹۱۸ ق)، سلیم یکم عثمانی (۹۱۸ - ۹۲۶) و سلیمان قانونی (۹۲۶ - ۹۷۴ ق) بالید و مناصب دقت‌داری و سنجاق‌بیگی داشت. در اسکندرنامه و دیوانش از سفر به متون (۹۰۶ ق/۱۵۰۰م) یاد کرده و دانسته است که وی در آن زمان منصب سنجاق‌بیگی داشته است. افزون بر این، در قصیده‌ای که برای بایزید دوم سروده، به این‌که سنجاق‌بیگ قره‌حصار، آمد، تکه، قرمان و آنکارا بوده، اشاره کرده است. در برخی از اشعار دیوانش و نیز در مثنوی هفت پیکر می‌گوید که در درگیری دو شاهزاده بایزید دوم، سلیم و احمد، وی از احمد هواداری کرد. به همین سبب وقتی سلیم به تخت شاهی برآمد وی را از مقامش برکنار کرد. احمد در پادشاهی سلیمان قانونی اعتبار پیشین خود را بازیافت. در منابع گوناگون مرگ وی را در میان سال‌های ۱۵۲۸ تا ۱۵۳۸م در ادرنه گفته‌اند. وی را در شمار سرایندگان خنسه برشمرده‌اند. در شعر حیاتی تخلص می‌کرد. از آثارش: دیوان که در بردارنده اشعاری در قالب‌های قصیده، مثنوی، ترکیب‌بند، غزل و قطعه است و تنها نسخه دست‌نویس آن به شماره B32 در کتابخانه بنیاد زبان ترکی نگه‌داری می‌شود؛ اسکندرنامه در هشت‌هزاروسی صد بیت که در ۹۰۴ ق/۱۴۹۹م به انجام رسیده است و نسخه‌ای دست‌نویس از آن به شماره B20 در کتابخانه دانشکده زبان و تاریخ - جغرافی دانشگاه استانبول نگه‌داری می‌شود؛ لیلی و مجنون در نزدیک به چهارهزارو دوست‌وپنجاه بیت که بخش‌هایی از آن ترجمه‌ای از اثر نظامی است و در میان سال‌های ۱۴۹۹ تا ۱۵۰۲م نوشته شده و کهن‌ترین و تنها نسخه این اثر به شماره ۴۱۴ در میان کتاب‌های آگاه سری لوند در کتابخانه آتاتورک موجود است؛ خسرو و شیرین در شش‌هزاروسی صدو هشت بیت که مؤلف در نوشتن آن از آثاری به همین نام از نظامی و شیخی بهره جسته و آن را در ۹۰۷ ق/۱۵۰۲م به انجام رسانیده است. شمار ابیات نسخه‌های گوناگون این اثر متفاوت است. نسخه‌ای از این اثر به شماره ۳۶۹/۴ در همان‌جا موجود است؛ رضوانیه که مثنوی دینی - اخلاقی در دوهزارو هشتاد بیت است و در ۹۱۴ ق به انجام رسیده است و نسخه‌ای دست‌نویس از آن به شماره ۳۳۳۰ در